

مسئول اجرائی تیم پیوند انجمن ام‌پی‌اس:

داروهایی که با کوله‌پشتی و چمدان به ایران می‌رسد

سمیه جاهدعطائیان؛ بچه‌های مبتلا به بیماری ام‌پی‌اس یا (موکوپیلوساکاریدوز) اگر در سن طلایی یعنی زیر دوسالگی پیوند شده، برای پیشگیری و درمان عوارض‌های متعدد پوستی یا گوارشی بعد از پیوند، دارو و بسته‌های حمایتی دریافت کنند، می‌توانند به آغوش خانواده برگردند…

صفحه ۶

روزنامه

پنجشنبه ۱ تیر ۱۴۰۲ • ۳ ذی‌حجه ۱۴۴۴ • ۲۲ ژوئن ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۸۳ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: جدال لفظی آمریکا و چین یک روز پس از پایان سفر بلینکن به پکن، گفت‌وگوهای سازنده میان باقری و مورا هم‌زمان با سفر منطقه‌ای وزیر امور خارجه، ناتوانی مجلس برای ورود به پرونده عروس رئیس سازمان اوقاف

سرمقاله

تولید ناخالص ملی یا افزایش ثروت ملی



سیدمصطفی هاشمی طب

اقتصاددانان کشورمان هنگامی که می‌خواهند از روند اقتصاد کشور سخن بگویند، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های اظهارنظر را تولید ناخالص ملی (GNP) یا تولید ناخالص داخلی (GDP) در نظر گرفته و با مقایسه سال‌های مختلف، میزان رشد یا نزول آن را ملاک پیشرفت یا پسرفت اقتصاد کشور به شمار می‌آورند و نیز هنگام مقایسه اقتصاد کشور با کشورهای دیگر و اینکه آیا آنها در ساماندهی اقتصاد کشورشان موفق‌تر بوده‌اند یا ما، این ضریب را به میان می‌آورند. نمونه آن مقاله مفصل آقای دکتر لیلاز در یکی از شماره‌های اخیر روزنامه «شرق» است. البته میزان تولید ناخالص ملی ملاکی معتبر است، اما اشاره به آن به‌عنوان تنها و مهم‌ترین ملاک نمایانگر اقتصاد یک کشور، یک عمل انحرافی، غیرشفاف و گمراه‌کننده است؛ زیرا چه بسیار آمار تولید ناخالص ملی که در عین صحت و درستی، چنانچه ملاک عمل قرار گیرند، موجب پسرفت و در نهایت تضعیف و فروپاشی اقتصاد می‌شوند.

برای آنکه موضوع اندکی واضح‌تر بیان شود، به تعریف تولید ناخالص ملی روی می‌آوریم. تولید ناخالص ملی عبارت است از مجموع تولیدات و فعالیت‌های کشور اعم از تولیدات صنعتی، کشاورزی و خدمات. حال اینکه این‌ فعالیت‌ها چگونه بوده و به چه نتایجی منجر شده است، مورد مذاقه قرار نمی‌گیرد. فرض کنیم فردی ثروت‌های بسیاری را در دست دارد و به وسیله آن به انواع و اقسام فعالیت‌ها می‌پردازد؛ چنانچه فعالیت‌های او مترتب بر استفاده از ثروت موجود باشد و در عین حال بازدهی لازم را نداشته باشد، در عین آنکه آمار فعالیت‌های او (در مقایسه با تولید ناخالص ملی) بسیار بالاست، اما در انتها جز افلاس نتیجه‌ای نخواهد گرفت.

برای ایضاح اجرایی امر، به یک مثال ساده برمی‌گردیم. فرض کنیم در یک کشور کارخانه اتومبیل‌سازی سالانه یک میلیون اتومبیل تولید دارد. قطعات این اتومبیل با ارز حاصل از نفت تهیه و اتومبیل‌های تولیدی در داخل کشور مصرف می‌شود. نتیجه این امر کم‌شدن ثروت کشور به دلیل صدور نفت و پیامد آن مصرف سوخت فسیلی در داخل کشور است؛ یعنی تولید به بهای کم‌شدن ثروت کشور از قبل صادرات نفت و سوزاندن آن است (به‌جز تبعات دیگر). -حال فرض کنید همان کارخانه در یک کشور دیگر فعالیت و انرژی بسیاری از قطعات آن را نیز وارد می‌کند، اما آن را به قیمت اندکی بیش از قیمت تمام‌شده صادر می‌کند. در این حال سالانه متناسب با یک میلیون تولید اتومبیل، به ثروت شرکت و کشور می‌افزاید. این دو مثال عینت دارد؛ یعنی کارخانه ایران خودرو کشورمان و کارخانه مشابه در کره جنوبی واقعیت این مثال هستند. پس فعالیت خودروسازی در کشور ما موجب کاهش ثروت ملی و برعکس در کره جنوبی موجب افزایش ثروت ملی می‌شود.

مثال دیگر، برخی فعالیت‌های کشاورزی است. مثال عینی آن تولید هندوانه و فروش در داخل یا صادرات آن است؛ یعنی کشاورز با مصرف برق یا گازوئیل داخلی از اعماق زمین آب را استخراج کرده و چرخ‌های تراکتور را به حرکت درآورده و سیستم حمل‌ونقل آن را به مبادی مصرف می‌رساند، اما در این فعالیت آب زیرزمینی مصرف‌شده باعث می‌شود دشت مربوطه نشست کرده و بلااستفاده شود (قیمت بر آن نمی‌توان گذاشت). سوخت فسیلی مصرف شده و در نهایت از ثروت کشور کاسته شده است که جبرانی برای این ثروت از دست‌رفته ممکن و متصور نیست.

تقاضای سطحی و صرفاً متکی به آمار، بدون آنکه ماهیت امر و نتایج بالفعل اقدامات جاری اقتصادی در کشور مشاهده شود، همان بی‌بصیرتی است که امروز اشکال مختلف آن مرکز توجه و تبلیغ قرار گرفته است. صرف اتکا به آمار و از دست‌دادن مشاهده عینی و واقعیات ملموس و عدم دقت در جهت حرکت اقتصاد، نتایج فاجعه‌باری را به همراه می‌آورد. امروز می‌بینیم اقتصاددانان ما که البته اکثر آنان خاموش هستند، رو به بحث‌های انتزاعی آورده‌اند. دانشگاهیان ما که روشنفکران کشور هستند، عموماً در مقابل سرنوشت عینی و اقتصاد کشور بی‌تفاوت نشده‌اند؛ درحالی‌که شبکه دانشگاهیان یا حداقل دانشگاهیان اقتصادخوانده و منسوب به علم اقتصاد که یک شبکه سراسری در کشور را تشکیل می‌دهند، در مقابل تخریب زیربناهای اقتصاد کشور سکوتی مرگبار را انتخاب کرده‌اند. نمایندگان مجلس هر یک به حال خود رها شده‌اند و شاید چون خود را خارج از گود احساس می‌کنند، منغل هستند. دولت و مقامات دولتی هم که از شبکه تبلیغاتی وسیع رسانه‌ای دولتی (و البته بی‌نتیجه) برخوردارند، تنها سعی به توجیه عملکرد خود دارند.

اگر نیک نگاه کنیم، علت‌العسل همه اینها حاکمیت نوعی لیبرالیسم‌اسلکی (و نه تابع مسلک لیبرالیسم)، ولنگاریسم و پوپولیسم بر افکار اینان است و برخلاف تظاهرات انقلابی‌نمایی، تن به ادامه وضع موجود داده‌اند و به دلیل احتمال مخالفت مردم، ترس از انتخاب راه‌حل‌های ریاضتی، واقعی و سخت دارند و قطار آینده اقتصاد کشور و سرزمین ایران را در سراسیمی سقوط قرار داده‌اند.

ادامه در صفحه ۱۱

جهان برای پناه‌جویان تنگ‌تر می‌شود

نگاهی به شرایط سخت و دردناک مهاجرانی که دل به دریا می‌زنند



عکس: Gettyimages

رزگار سلیمی، کارشناس مهاجرت اندیشکده دیاران: «احساس می‌کنم این آخرین شب زندگی ما خواهد بود؛ این جمله تکان‌دهنده، آخرین سخن یکی از قربانیان قایق غرق‌شده پناه‌جویان در سواحل یونان در تماس تلفنی با یکی از دوستانش بود.

این قایق که حدود ۷۵۰ مسافر از کشورهای مختلف مثل سوریه، افغانستان و پاکستان داشت، روز چهارشنبه در جنوب غربی شبه‌جزیره پلوپونز یونان غرق شد. بنا بر آمارهایی که تاکنون اعلام شده، حداقل ۷۸ نفر از پناه‌جویان ساکن این قایق کشته شده‌اند و ۱۰۴ نفر نیز نجات پیدا کرده‌اند و بقیه سرشنسیان آن هنوز مفقود هستند. گفته شده که بین ۵۰ تا صد کودک در این قایق حضور داشته‌اند.

این واقعه دلخراش بازتاب بسیاری در رسانه‌های جهان داشته است؛ به نحوی که برخی رسانه‌ها

یادداشت

هوشمندی چین در قبال جنبش کنترل هوش مصنوعی



محمدحسین عمادی*

رقابت قدرتهای اصلی هوش مصنوعی جهان (آمریکا، اروپا و چین) در مهار این پدیده در یک ماه گذشته شتاب جدی به خود گرفته است. برخی کشورها آن را قانونمندسازی، کنترل و قاعده‌مند کردن نامیده و معتقدند که باید در اولین اقدام شتاب کنونی رشد هوش مصنوعی را حداقل برای مدتی متوقف کرد تا سازوکارهای قانونی آن آماده شود. اتحادیه اروپا اولین اقدام عملی در تدوین مقررات مربوطه را در پارلمان به تصویب رساند. محاکمه پرسروصدای تیک‌تاک در کمیسیون‌های کنگره آمریکا و سفر نخست‌وزیر انگلیس به آمریکا و دعوت به مهار جهانی هوش مصنوعی از طرف انگلوساکسون‌ها نیز نشانگر ترس واماندگی قدرت‌های سیاسی از کنترل غول چراغ جادو بود؛ اما دولت چین با راهبردی کاملاً متفاوت، خاموش اما هوشمند، با این مقوله برخورد کرده است. رئیس‌جمهوری چین در هفته گذشته و بدون هیاهو، با ایلان ماسک و بیل گیتس در یکن ملاقات خصوصی کرده و هم‌زمان این کشور کنفرانسی بین‌المللی با عنوان «گفت‌وگوی تمدن‌های دیجیتال» در زادگاه کنفوسیوس ترتیب داده است. شاید هر سه قدرت اصلی جهان در ضرورت قانونمندی و ضابطه‌مند کردن حوزه هوش مصنوعی توافق دارند؛ اما از منظر اندیشمندان حوزه هوش مصنوعی، دلایل زیادی برای این شتاب‌زدگی از سوی قدرت‌های جهان وجود دارد که درک آن در گرو پاسخ‌گویی به سوالات کلیدی زیر است:

۱- آیا هدف دولت‌ها از قانونمند کردن هوش مصنوعی تأمین مصالح و حریم خصوصی مردم است یا ترس از محدودیت قدرت در کنترل جامعه با رقابت بر سر قدرت با دشمنان خود؟
۲- آیا اقدامات سمبلیک و حرکت شتاب‌زده دولت‌ها در ماه گذشته با سرعت برق‌آسای تکوینی و اثرات هوش مصنوعی همخوانی دارد؟

۳- چگونه می‌توان از قاعده‌مندی هوش مصنوعی و کنترل قانونی آن صحبت کرد، وقتی که حتی بر سر بسیاری از مفاهیم و حتی واژه هوش مصنوعی و سطوح آن از نظر حقوقی نگاهی وجود ندارد.

۴- چرا پس از سال‌ها و تنها در یک ماه گذشته و پس از رونمایی از جی‌پی‌تی این دغدغه به یک موج بی‌سابقه سیاسی حقوقی دولت‌ها تبدیل شده است؟

۵- نقش فراموش‌شده سازمان ملل، در این میان چیست و چرا برای تدوین مقررات جهانی از صحنه غایب است؟

ادامه در صفحه ۸

رهبر انقلاب در دیدار رئیس دفتر سیاسی حماس:

ورود نسل جوان مؤمن فلسطین به صحنه مبارزه، بشارت‌دهنده آینده روشن است

♦ حمایت جمهوری اسلامی از فلسطین مبنای فقهی و شرعی دارد

♦ آزاد سازی سرزمین فلسطین، وظیفه شرعی همه مسلمانان است

صفحه ۳

«شرق» از مشکلات یک نماینده به دلیل مخالفت با فوریت لایحه عفاف و حجاب گزارش می‌دهد

با قانون گریزی، قانون گذار را تحت فشار قرار می‌دهند

بازخوانی ماجرای منافقین در آلبانی و کشته‌شدن فرجی‌نژاد یکی از فرماندهان عملیات تروریستی موسوم به فروغ جاویدان

پایان ماجراجویی‌های یک تروریست

پس از دیوارنگاره ولیعصر و عکس‌های خاص

پرچم به ناهید رسید



بررسی سخنان رئیسی در گفت‌وگو با محمود صادقی

جدی‌ترین رقیب رئیس‌جمهور عملکرد خود اوست

۳

یادداشت

حسین نصر و ابراهیم کالین



سیدصادق حقیقت

ابراهیم کالین (متولد ۱۹۷۱)، شاکرد حسین نصر، در خردادماه ۱۴۰۲ با‌بعنوان رئیس اطلاعات ترکیه منصوب شد. کالین دیوان‌سالار، محقق مطالعات اسلامی، فیلسوف، شاعر و نوازنده معروفی است که پست‌های مهمی از این قبیل داشته است: عضو هیئت علمی گروه مطالعات مذهبی کالج صلیب مقدس در ماساچوست، عضو بنیان‌گذار و مدیر بنیاد SETA برای تحقیقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مستقر در آنکارا، اولین دبیر مطبوعاتی رسمی رئیس‌جمهوری ترکیه، هماهنگ‌کننده دیپلماسی عمومی نخست‌وزیر ترکیه، نایب‌رئیس شورای امنیت و سیاست خارجی ریاست‌جمهوری ترکیه و مشاور ارشد رئیس‌جمهوری این کشور. احتمالاً انتصاب اخیر پیامی ویژه برای جهان اسلام و جهان غرب به همراه دارد. سوآلی که ممکن است در این زمینه به وجود آید، این است که: «چه ارتباطی بین تخصص صدراپی او (زیر نظر نصر) و پست‌های کلیدی- به‌ویژه امنیتی- در دولت اردوغان وجود دارد؟».

در پاسخ به این سؤال سه احتمال وجود دارد:

۱- اینکه نسبت مشخص (عرفتی) بین مطالعات صدراپی او با تصدی ریاست اطلاعات ترکیه وجود نداشته باشد.
۲- براساس احتمال دوم، فلسفه سیاسی ملاصدرا دارای چنان ظرفیتی است که یکی از نمودهای عملی آن نزدیکی کالین به اردوغان است.
۳- احتمال سوم آن است که در مطالعات کالین، زیر نظر نصر، نوعی تجددسنجیزی یا نقد غرب وجود دارد که به مذاق هیئت حاکمه ترکیه خوش آمده است.

احتمال اول بعید به نظر می‌رسد؛ چراکه شخصیت، تحصیلات

و سوابق یک شخصیت آکادمیک، طبق قاعده نمی‌تواند بی‌ارتباط با

یک «پست امنیتی» باشد.

احتمال دوم نیز به دو دلیل تأیید نمی‌شود: اولاً از نظر تئوریک، آن‌گونه که دکتر طباطبایی و دکتر فریحی و صاحب این قلم نگاشته‌اند، حکمت سیاسی متعالیه نه به خودی خود اهمیت چندانی دارد، نه دارای چنان ظرفیتی است که بتواند نقش مهمی در سیاست -به معنای دانش سیاسی و امر سیاسی- ایفا کند. ثانیاً آثار و علایق نصر و کالین نشان می‌دهد عمدتاً به ایجاد غیرسیاسی صدرا توجه داشته‌اند: «فلسفه اسلامی ملاصدرا درباره وجود، عقل و شهود» (انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۱۰)، مبنای احتمال سوم، تقابل سنت و تجدد است. به نظر می‌رسد نقد سنت هم در سنت‌گرایانی مانند نصر و دانشجوی او- وجود دارد، هم در اوخوانی‌هایی مانند اردوغان.
دال‌های مهم گفتمان سنت‌گرای- «حکمت خالده»، «وحدت متعالیه ادیان»، «تکثرگرایی دینی»، «گرایش به عرفان و تصوف»، «احیای علم و هنر مقدس»، «فنی ساختارگرایانه غرب و طرد دنیای مدرنیته» و «بروزه اسلامی سازی علوم» حاکی از نوعی غیریت‌سازی با گفتمان تجدد- و در تقابل با علوم، فرهنگ و هنر مدرن- ارزیابی می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۱

گزارشی از شرایط دریافت وام ۹۶۰ میلیون تومانی مسکن که سنگی بزرگ پیش پای خریداران ملک گذاشته است

محترمانه؛ وام نمی‌دهیم

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



آن را «تلخ‌ترین ترازدی دریای مدیترانه تا به امروز» دانسته‌اند. غرق‌شدن قایق پناه‌جویان و مرگ دسته‌جمعی مهاجران، مسئله جدیدی نیست و هرساله هزاران نفر در جریان این سفرهای خطرناک کشته یا مجروح می‌شوند. ۲۶ فوریه سال جاری میلادی نیز قایق دیگری در سواحل ایتالیا غرق شد که بر اثر آن، بیش از ۶۴ مهاجر فوت کردند که ۱۴ نفر از آنها کودک بودند. البته در کنار حوادث دریایی، موارد بسیاری از مرگ یا آسیب‌دیدگی پناه‌جویان در جریان سفرهای زمینی نیز مشاهده می‌شود که نمونه بارز آن، وقایع غم‌انگیز مرز ایالات متحده و مکزیک است. سازمان بین‌المللی مهاجرت اخیراً در گزارشی اعلام کرد در سال ۲۰۲۲، بیش از سه هزار مهاجر در این مسیرها کشته یا مفقود شده‌اند؛ رقمی که بسیار تکان‌دهنده و شایان تأمل است. روند فزاینده تعداد پناه‌جویان و پناهندگان در جهان در دهه‌های اخیر، بحث‌های بسیاری را درباره موضوع پناهندگان و پناه‌جویان در افکار عمومی جهان مطرح کرده است.

یادداشت

نجات باغات تهران؛ توهمی دشوار



ترانه پلدا

معمار و شهرساز

در دو هفته‌ای که گذشت، دوباره هیاهویی در دنیای مجازی و واقعی بر سر بربادرفتن میراث سبزی‌شهرمان به راه افتاد که هنوز هم ادامه دارد. مراجع حرفه‌ای شهرسازی نوشتند که «شهرداری و شورای ششم شهر تهران بار دیگر مصمم شده‌اند تا با تصویب لایحه‌ای تحت عنوان «احیای برج‌باغ‌ها» صدور مجوز ساخت‌وساز در باغ‌های باقی‌مانده تهران را مجاز بشمارند». گفته شد که «تفکر مخرب «برج‌باغ» که ۲۰ سال پیش، در شورای دوم پایتخت، تخریب باغ‌های تهران و به عبارتی معدود ریه‌های شهر تهران را رقم زد، امروز با هدف کسب درآمدهای نجومی مصمم به احیای این آفت و دمیدن جانی تازه به این پدیده شوم است». واقعیت شاید این است که از سال ۸۳ تاکنون هیچ چاره واقعی و جدی‌ای برای حفظ باغ‌های خصوصی در جای‌جای کلان‌شهر تهران پیدا نشده است و مسلماً علت اصلی نیز غیاب باور لازم برای حفظ درختان شهر نزد مسئولان شهرداری و مالکان باغ‌ها بوده است. هیچ‌وقت فکر نکردند که خوب است سازندگان را تشویق کنند تا برج را در زمین بایر بسازند و برای زنده‌ماندن باغ‌ها هم در کنارش فکری بکنند؛ مثلاً برای خرید یا حفظ باغ قانون بگذارند طوری که مالک به وسوسه نیفتد باغ را مسموم و خشک کند و در آن برج بسازد. یا شهرداری پهنه حفاظتی G را دستکاری کند. به‌هر حال با واقعیت‌ها روزی باید روبه‌رو شد. روزی که خیلی دیر نباشد... شهر تهران در نیم‌قرن اخیر هر روز بیش از روز قبل، فشرده و متراکم شده است. تمام باغ‌های خصوصی که بیشتر هم در اطراف بافت‌های ۳۰۰ روستای واقع در محدوده ۲۵ ساله -محدوده فعلی تهران بزرگ- بودند، طی این سالیان به بافت شهری پیوستند. شمیران هم که در زمان کودکی ما از شهر تهران جدا بود، و سرتاسرش باغ‌های زیبای مسکونی بود، خیلی سریع مورد توجه خواستاران ساخت‌وساز مسکن قرار گرفت و اول مدتی محجوبانه و سپس با شدت و خشونت بیشتر مورد تهاجم تقاضای مسکن توانمندان قرار گرفت. همین‌طور که صاحبان اولیه باغ‌ها -خودشان و فرزندان‌شان- تهران و حتی ایران را ترک می‌کردند و می‌رفتند (هشت میلیون مهاجر) باغ‌ها متروکه می‌ماند و دانه‌دانه کسانی پیدا می‌شدند که باغ‌ها را بخرند. زمینه ساخت‌وساز حجیم در داخل این قطعات هم به‌تدریج توسط اره‌های برقی فراهم می‌شد. اگر در شمیران این‌همه باغ وجود نداشت، کسی دلش نمی‌سوخت. آن‌همه زمین بایر در جاهای دیگر ساخته شد و کسی حرفی نداشت. در واقع چون در کشور ما آبادکردن باغ کار دشواری است، مردم دلشان می‌سوخ و حرفی هم نمی‌توانستند بزنند.

ادامه در صفحه ۸